

فرصت‌های عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای و تبیین ابعاد ژئوپلیتیک و جغرافیایی آن

سعید بیاری

گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد. ایران

علی محمد حقیقی*

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد. ایران

غفار زارعی

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد. ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

چکیده

یکی از راه‌های مهم و اساسی برای دستیابی کشورها به منافع راهبردی، شرکت مؤثر در سازمان‌های منطقه‌ای می‌باشد. زیرا که همکاری در این سازمانها اصولاً بر پایه اهداف و منافع مشترک بنا نهاده شده است. سازمان‌های منطقه‌ای زیرمجموعه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی می‌باشند که دربرگیرنده کشورهایی هستند که به لحاظ جغرافیایی به هم نزدیک هستند و بر اساس حقوق متقابل و برابری دولت‌ها به دنبال اهداف مشخص دور هم جمع شده‌اند. سازمان همکاری شانگهای از جمله سازمان‌های مهم منطقه‌ای به حساب می‌آید که صرفنظر از وجود چالش‌های فراوان در ابعاد مختلف، از ظرفیت‌های مهم و گسترده سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی جهت تقویت همکاری و همگرایی بین کشورهای منطقه برخوردار می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که از یک طرف به سبب همجواری منطقه‌ای و وجود پیوندها و منافع مشترک و از طرف دیگر به دلیل فشارهای سیاسی و سپس تحریم‌های وضع شده توسط آمریکا، از شروع بکار فعالیت سازمان در سال ۲۰۰۱ م خواهان عضویت در آن شد و ابتدا در سال ۲۰۰۵ م توانست به عضویت ناظر سازمان همکاری شانگهای درآید و سپس در سال ۲۰۰۸ درخواست عضویت دائم در سازمان نمود که درخواست فوق‌الذکر به دلایل متعدد (تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل در مسئله هسته‌ای، مواضع محافظه‌کارانه و بعضاً در تضاد بعضی از اعضای سازمان و ...) به تعویق افتاد که نهایتاً در سپتامبر ۲۰۲۱ مورد پذیرش اعضا قرار گرفت.

**کلیدواژه‌ها: سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان همکاری شانگهای، جمهوری اسلامی ایران، منافع راهبردی
مشترک، فرصت‌های پیش‌رو.**

مقدمه

پایان جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰م، تحولات گسترده‌ای را در ابعاد مختلف در جهان موجب گردید و ساختار نظام بین‌المللی را به سمتی هدایت نمود که تمایل کشورها را به سمت سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دوچندان نمود. به همین دلیل دنیا شاهد شکل‌گیری موج گسترده‌ای از مشارکت‌ها و تأسیس سازمان‌های منطقه‌ای بوده که یکی از عمده اهداف سازمان‌های منطقه‌ای، مقابله با تهدیدات احتمالی در همه ابعاد بر اساس حقوق متقابل و برابری دولت‌ها می‌باشد. به همین منظور در دستور کار دولت‌ها اولویت ویژه بکارگیری و توسعه تعاملات با کشورهای همجوار و منطقه‌ای در زمینه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و ... قرار دارد.

سازمان همکاری شانگهای هم در قالب و چارچوب اهداف بالا در سال ۲۰۰۱م به پیشنهاد چین و در ابتدا بر اساس مجموعه‌ای از ملاحظات امنیتی همچون مقابله با تروریسم، افراطی-گری و جدایی طلبی تأسیس شد و دیری نپایید که دیگر مؤلفه‌های مهم همچون همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و ... به آن اضافه گردید و در گذر زمان به فاصله کمی به دلیل وجود پتانسیل و قابلیت‌های لازم از جمله وسعت گسترده جغرافیایی، حضور قدرت‌های اتمی و صاحب حق و تو، اقتصاد رو به رشد و جهان شمول و قرار گرفتن در یک منطقه استراتژیک مورد توجه قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران از یک طرف به لحاظ موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، سیاسی و اقتصادی خود و از طرف دیگر به لحاظ پتانسیل‌های فراوان سازمان همکاری شانگهای که یقین دارد قابلیت لازم را برای تبدیل شدن به یک سازمان فراگیر دارد و می‌تواند به واسطه آن امیدوار به برخورداری از روابط تجاری مناسب با دیگر اعضا و جلب حمایت آنان گردد با نگاه عمیق به شرق تلاش نموده تا عمق استراتژیک خود را با ارتباط با همکاری با این کشورها تعریف نماید، لذا مصمم به پیوستن به سازمان همکاری شانگهای گردید که در راه رسیدن به این خواسته خود با سختی‌های فراوانی به دلیل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل در موضوع هسته‌ای و مواضع محافظه‌کارانه و بعضاً در تضاد بعضی از اعضا نسبت به هم روبرو گردید. به هر حال، ایران توانست در سپتامبر ۲۰۲۱م موفق به اخذ پذیرش به عنوان عضو دائم سازمان همکاری شانگهای گردد. پذیرش عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای صرف نظر از نحوه عملکرد سازمان در طول عمر خود، برای کشور ایران در عرصه‌های دیپلماتیک بین‌المللی یک پیروزی محسوب می‌گردد، زیرا که تحریم‌های وضع شده عملاً جمهوری اسلامی ایران را به نوعی در وضعیت انزوا قرار داده بود که روز به روز نیز به ابعاد آن افزوده می‌گردید و عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی ارتباطات سیاسی، تجاری و تعدیل فشارهای غرب به حساب می‌آید.

عضویت در سازمان همکاری شانگهای، می‌تواند تأثیر مهمی بر همکاری دوجانبه و چند جانبه جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سیاست خارجی در جهت همکاری با همسایگان و کشورهای آسیا برجا گذارد. سیاست همسایگی به معنای وسیع آن و تقویت حضور آن در سازمان‌های منطقه‌ای بخشی از جهت‌گیری سیاست خارجی ایران است که می‌تواند در سایه عضویت در سازمان همکاری شانگهای تحقق یابد. زیرا که طبیعتاً انتخاب شرکای تجاری و سیاسی مطمئن در قالب عضویت در اتحادیه‌های منطقه‌ای بسیار حائز اهمیت می‌باشد. و چنانچه تمهیدات لازم در این خصوص از ناحیه دستگاه‌های اجرایی مرتبط و سازمان‌های مردم‌نهاد اتخاذ گردد، می‌توان

انتظار داشت تا جریانات شکل گرفته تجاری، سیاسی توان رقابتی کشورمان را در معرض جدی بوته آزمایش قرارداد و سازمانهای سیاسی و تجاری ایران را در مقیاس کوچکتر جهت رقابت جهانی آماده سازد.

روش پژوهش فوق بر اساس توصیفی-تحلیلی می باشد که با توجه به ادبیات پژوهش به صورت مراجعه به کتابها و منابع دست اول فارسی و انگلیسی، پایان نامه ها و رساله های تحصیلات تکمیلی و بررسی نظرات کارشناسان داخلی و خارجی مرتبط به بحث انجام گرفته است.

رویکرد نظری

ادبیات مربوط به همگرایی، همگرایی منطقه ای و منطقه گرایی، در چند دهه اخیر از مباحث عمده روابط بین الملل و بخصوص مطالعات منطقه ای به حساب می آید. در پی تغییرات عمیق در سیاست، اقتصاد و امنیت جهانی و مسائل منطقه ای و تحول ساختاری که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱م و پایان یافتن جنگ سرد ایجاد شده است، ماهیت روابط بین کشورها وارد دوران تازه ای شد. به نحوی که صحبت از یک نظم نوین جهانی در صحنه سیاست مطرح گردید، نظمی که بر پایه یک نظام متفاوت بین المللی بر مبنای تعاملات اقتصادی در قالب همکاری جهانی و منطقه ای استوار بود. و نگرش عمده کشورهای دنیا که غالباً امنیتی بود را تغییر داد و جایش را به نگرش های اقتصادی سپرد و بدین سان تحولات شکل گرفته سرآغاز هماهنگی بیشتر در دیگر حوزه ها شد و حجم گسترده ای از نظریه ها به سمت و سوی همگرایی در قالب همگرایی منطقه ای و منطقه گرایی متمایل گردید. هر یک از این نظریات درصدد هستند تا گستره منطقه گرایی و کارگزاران آن را تبیین نمایند که طبعاً ضمن برخورداری از نقاط قوت، ایراداتی هم بر آنها وارد می باشد. به هر صورت توجه به آرمان های صلح جهانی و ایجاد اتحادیه های اقتصادی که بر مبنای ارزش های مشترک از اهمیت ویژه ای برخوردار گردید که ضمن اشاره به برخی از نظریات در چارچوب شکل گیری همگرایی منطقه ای، در تجزیه و تحلیل این پژوهش از نظریه وابستگی متقابل و دیپلماسی اقتصادی بهره گرفته شده است.

الف) نظریه کارکردگرایان

محوری ترین مفهوم در نظریه کارکردگرایی واژه کارکرد می باشد که به معنای نتیجه و اثری است که انطباق با سازگاری یک ساختار معین با اجزای آن را با شرایط لازم محیط فراهم می نماید (جوینس و کوکب، ۱۳۷۶: ۶۷۹)

کارکردگرایان به طور کلی جامعه را نظام واحد نظم و ترتیب می دانند. این دیدگاه مبتنی بر تمثیل ارگانیک بین جامعه و ارگانسیم زنده است. از این منظر جامعه یک سیستم متشکل از اعضا و اجزای بی شماری است که هر یک باید کارکردهای خاصی را برای بقای کل سیستم و دیگر اجزا و اعضای آن انجام دهد. کارکردگرایان معتقدند تجارب انسانی قابلیت انتقال از یک حوزه به حوزه های دیگر را دارد، بدین معنی که با آشکار شدن مزایای همکاری بین المللی در عرصه های فنی و اقتصادی، اشاعه و تسری آن به دیگر عرصه ها نیز تحقق می یابد و همکاری کارکردی در یک بخش باعث می شود که ضرورت همکاری کارکردی در بخش دیگر نیز احساس شود. برای مثال تلاش برای ایجاد یک بازار مشترک باعث اعمال فشار برای همکاری بیشتر در زمینه سیاست های مربوط به حمل و نقل، بیمه، مالیات، دستمزدها، تأمین اجتماعی، بانکداری و مسائل پولی می گردد. در نهایت این همکاری به حریم بخش سیاسی دست اندازی کرده و حتی آن را می بلعد.

کارکردگرایان بر این باورند که اجزای سازنده یک جامعه، نهادهایی چون نظام اقتصادی، سیاسی، خانواده، مذهب و سازمانهای آموزش و پرورش اند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آنها جامعه وجود نخواهد داشت. و نتیجه فقدان یا اختلال این اجزا به خطر افتادن حیات و بقای کل سیستم اجتماعی است. همه این نهادها (اجزای سیستم) دارای ارتباط متقابل اند و هر یک از آنها جهت ایفای نقش مشخص خود باید اندازه، قابلیت و ساختمان مناسب داشته باشد و به گونه‌ای عمل کند که با اجزای دیگر سازگار باشد. ناسازگاری اجزای سیستم اجتماعی، موجب تجزیه آن و تضاد بین اجزا و نهایتاً باعث نابودی آن خواهد شد. ضامن اصلی سازگاری اجزای سیستم، وفاق در ارزش‌های مشترک است. (خواجه، ۱۳۹۶: ۱۸).

کارکردگرایان بر این عقیده اند که واحدهای جداگانه سیاسی قادر به تأمین خواسته و نیازهای انسانی در چارچوب بسته خود نیستند، زیرا احتیاجات جوامع بشری را باید در ورای مرزهای ملی جستجو کرد و همین امر، همکاری‌های گسترده‌ای میان دولت‌های ملی ایجاد می‌کند. از نظر این گروه، برخی از کارکردها، چون نظارت بر رفت و آمد دریایی و نقل و انتقال‌های بین‌المللی و نیز پخش برنامه‌های رادیویی باید در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی صورت پذیرد. (قوم، ۱۳۸۲: ۲۴۸).

امید کارکردگرایان آن است که با گسترش شبکه کارگزاری‌های فنی، مرزها سختی خود را از دست خواهند داد و اقدامات مشترک و منافع فرامرزی جای آن‌ها را خواهند گرفت. (سیف زاده، ۱۳۸۲: ۲۵۶).

ب) نظریه وابستگی متقابل

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، ماهیت روابط بین کشورها وارد دوران تازه‌ای شد و نگرش‌های اقتصادی جایشان را صرف نظر از مبانی نظری، با نگرش‌های امنیتی عوض نمودند و نظم نوینی بر پایه تعاملات اقتصادی در قالب همکاری‌های جهانی و منطقه‌ای شکل گرفت.

تا امروز تعاریف گوناگونی از مفهوم وابستگی متقابل ارائه شده است. در کلی‌ترین تعریف وابستگی متقابل حاکی از چنان اشتراک منافی است که اگر جایگاه یک ملت تغییر یابد، این تغییر جایگاه دیگر ملت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نوعی پیوند مستقیم و مثبت منافع دولت‌ها به صورتی است که تغییر در موقعیت یک دولت، جایگاه سایرین را به همان جهت تغییر می‌دهد. از مهم‌ترین مفروضات نظریه وابستگی متقابل، این است که بازیگران روابط بین‌الملل تنها دولت نیستند و بازیگران جدیدی مانند شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی در کنار دولت در حال نقش آفرینی هستند، لذا دولت‌ها نمی‌توانند به تنهایی دست به اقدامات یکجانبه بزنند و یا از همکاری با دیگر کشورهای جهان اجتناب ورزند.

در این راستا اشخاصی چون ادوارد مورس (Edward Morse) در کتاب‌ها و مقالاتش در باب وابستگی متقابل، رابرت کوهن و جوزف نای در کتاب قدرت و وابستگی متقابل و وریچارد کوپر در مقالاتش در باب وابستگی متقابل اقتصادی، تلاش نمودند که آسیب‌پذیری دولت‌ها و جوامع دنیا را در برابر حوادث و جریاناتی که در قلمرو دیگر کشورها رخ می‌دهند را به بهترین شکل ممکن ترسیم نمایند. (خاشعی و امامزاده، ۱۳۹۰).

این نظریه‌پردازان معتقدند که جهانی شدن در حقیقت مرحله عالی وابستگی متقابل به شمار می‌رود. و دنیا در حال حرکت به سوی همکاری است. در واقع قاعده بازی در دنیا، دیگر قاعده تخاصم و تعارض نیست و وابستگی

متقابل است که در جهان به تدریج در حال حاکم شدن می باشد. به عبارتی قاعده رفتار در عرصه جهانی از تعارض و مخاصمه به همکاری های فراملی تغییر یافته است. وابستگی متقابل در ساده ترین مفهوم وابستگی دوجانبه است. وابستگی متقابل در سیاست جهانی به وضعیت هایی اشاره دارد که وجه مشخصه آنها آثار متقابل میان کشورها و یا میان بازیگران در کشورهای مختلف است. ریچارد کوپر بر بعد اقتصادی وابستگی متقابل تأکید دارد و اعلام می دارد که لازمه وابستگی متقابل دو جانبه بودن حساسیت است. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۴۹).

ج) نظریه دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی مجموعه ای از اقداماتی است که با فعالیت های اقتصادی برون مرزی، نقش-آفرینان دولتی و غیردولتی در جهان واقع ارتباط دارد. این فعالیت های اقتصادی شامل سرمایه گذاری، صادرات، واردات کمک و اعانه، مهاجرت و ... می شوند. به عبارتی دیپلماسی اقتصادی در اصل ارتباط بین موضوعاتی است که هدف آنان تأثیر گذاشتن بر تصمیم های برون مرزی در فعالیت های اقتصادی است و به عنوان مهمترین ابزار ملی کشورها برای پیشبرد اهداف و منافع ملی آنها به صورت عقلایی و مسالمت آمیز نام برده می شود. به نوعی دولت ها در سیاست خارجی خود با دیپلماسی مورد صلاح دید خود درصدد ارتقای امنیت، قدرت ملی، افزایش رفاه و توسعه و همچنین ارتقای اعتبار و منزلت بین المللی خود هستند. از آنجایی که امروزه تمام ابعاد فعالیت کشورها برای امنیت سازی با توسعه اقتصادی آنها پیوند دارد لذا از یک طرف اغلب فعالیت های کشورها به شکل ملموسی به نیاز بازارهای جهانی گره خورده است و از طرف دیگر به لحاظ وجود معضلی به نام نابرابری اقتصادی، فشار زیادی را بر اقتصادهای در حال توسعه وارد می کند تا منابع و توانایی های خود را ارتقا بخشند. (واعظی و موسوی شفايي، ۱۳۸۷: ۲۵)

دیپلماسی اقتصادی را باید تصمیم گیری و مذاکره در باب مسائل اصلی روابط اقتصادی بین المللی نظیر تجارت، سرمایه گذاری و امور مالی دانست. دیپلماسی اقتصادی از حوزه هایی فرعی مانند دیپلماسی بازرگانی، دیپلماسی مالی و دیپلماسی زیست محیطی با تفاوت های ظریف و مهم تشکیل شده است در واقع دیپلماسی اقتصادی فصل مشترک دیپلماسی و منافع اقتصادی در راستای منافع ملی است. به نوعی دیپلماسی اقتصادی به کارگیری توانایی های بالقوه و بالفعل دیپلماسی در جهت تحقق اهداف اقتصادی کشورها است. دیپلماسی اقتصادی در اصل ارتباط بین موضوعاتی است که هدف اصلی آنان تأثیر گذاشتن بر تصمیم های برون مرزی در فعالیت های اقتصادی است. (صابر، ۱۳۹۶: ۳۶).

دیپلماسی اقتصادی مرزهای وسیعی دارد و در آن موضوعاتی همچون اقتصاد، سیاست، دیپلماسی استراتژیک و سایر سازوکارهای بین المللی بحث می شود. یکی از عواملی که اهمیت دیپلماسی اقتصادی را افزایش می دهد، بحران های مالی و اقتصادی است. در چارچوب سیاست خارجی کشورها، دیپلماسی اقتصادی به آن بخش از فعالیت های اقتصادی در روابط خارجی یک دولت اطلاق می شود که بر شناسایی و ایجاد فرصت های اقتصادی به ویژه در حوزه بکارگیری فرصت ها و مزیت های جهانی و کسب سهمی در بازارهای صادراتی برای تولید داخلی تأکید دارد. اولویت یافتن ملاحظات اقتصادی و تقدم منافع ملی با افزایش فعالیت های ناظر بر تعاملات دو جانبه، چند جانبه اقتصادی، ارتقا روابط و همکاری با نهادهای مالی جهانی و منطقه ای در جهت بهره گیری از جایگاه آنان در فرایندهای مذاکرات همه در راستای دیپلماسی اقتصادی اهمیت پیدا می کنند. (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۹۱).

ابعاد مهم سازمان همکاری شانگهای

الف- ظرفیت و قابلیت‌های سازمان همکاری شانگهای

- محدوده جغرافیایی

در طول تاریخ بشر، جغرافیا همواره نقش مهمی در امور بشر داشته است و به هویت، سرشت و تاریخ حکومت‌ها شکل بخشیده و به توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها یاری رسانده و یا مانع آن شده است و بالطبع نقش مهمی هم در مناسبات بین‌المللی بازی می‌کند. وقایعی که در عرصه سیاست‌های جهانی و روابط بین‌المللی در دهه‌های گذشته به وقوع پیوسته و هم‌اکنون نیز در حال وقوع است مبین این مهم است که ارزش‌های جغرافیایی در ایجاد قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی نقش اساسی دارند، زیرا اول اینکه آنها می‌توانند تولیدکننده قدرت باشند و دوم اینکه کاربری آنها می‌تواند به سلب قدرت رقبا منجر شود و سوم اینکه تأمین‌کننده نیازهای حیاتی و منافع جمعی و فردی می‌باشند. این ارزش‌ها در مجموعه‌های کلی شامل مکان و فضای جغرافیایی قرار دارند که دارای مطلوبیت سیاسی می‌شوند و توجه بازیگران را به خود جلب می‌نماید. مساحت کشورهای عضو (اصلی و ناظر) سازمان همکاری شانگهای بالغ بر ۳۷ میلیون کیلومتر معادل ۳۵ درصد سطوح خشکی‌های زمین است. این سازمان از لحاظ گستره جغرافیایی در مرکز قاره آسیا پراکنده شده است. در این گروه بندی منطقه‌ای، اعضا از نظر جغرافیایی به هم نسبتاً نزدیکند و به همین دلیل هزینه‌های نسبی شیوه‌های گوناگون حمل و نقل (زمینی، آبی و هوایی) به مراتب پایین‌تر از سایر اتحادیه‌هاست. به این ترتیب در حقیقت اعضای آن از حیث جغرافیایی نزدیک به هم و در واقع جزء شرکای تجاری طبیعی یکدیگرند. (امیراحمدیان و حسینی، ۱۳۹۰:۱۰۷) هر چند که فاصله جغرافیایی یک پدیده نامتعارفی در گروه بندی‌های منطقه‌ای به حساب نمی‌آید ولی از نزدیکی جغرافیایی به عنوان یک برتری طبیعی نام برده می‌شود.

- میزان جمعیت

اندازه جمعیت از عوامل مهم در بررسی گروه‌بندی‌های منطقه‌ای است. چرا که با این پشتوانه قدرتی که برای کشورها به وجود می‌آید، در روابط قدرت و سازش منافع اعضای گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کند. بر این اساس، میزان جمعیت اعضای این گروه‌بندی‌ها اشکال مختلفی به آنها می‌دهد: گاه یک کشور از نظر جمعیتی به صورت کامل مسلط است و گاه وزن کشور مسلط به وسیله مجموعه وزن اعضای دیگر خنثی می‌شود. کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با دارا بودن جمعیت بالغ بر $\frac{2}{9}$ میلیارد نفر معادل $\frac{43}{62}$ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده است و این سازمان از نظر میزان جمعیت اولین بازیگر منطقه‌ای در جهان است. (امیراحمدیان و حسینی، ۱۳۹۰:۱۰۹).

- شرایط اقتصادی و وجود منابع و ذخایر طبیعی

طی دهه‌های گذشته بسیاری از کشورهای جهان از جهانی شدن متأثر شده‌اند. فراگیری توسعه تجارت بین‌المللی به گونه‌ای اتفاق افتاده که گسترش رقابت بین‌المللی بین کشورهای صنعتی از یک سو و بین کشورهای صنعتی و اقتصادهای آسیایی تازه صنعتی شده از دیگر سو به دنبال داشته است. جهانی شدن در سلیقه‌ها، سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل و حتی در بازار نیروی کار اثر گذاشته و رقابت بین‌الملل را گسترش داده است. رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای هرچند که در گذشته چندان مطلوب نبوده است ولی اقدامات

رو به رشد فعالیتهای اقتصادی اعضا منجر به آن شده که در حال حاضر میانگین رشد اقتصادی تمامی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای بین ۶ تا ۸ درصد برآورد شود که بالاتر از بسیاری از مناطق جهان است. برخورداری از منابع فراوان انرژی و ذخایر معدنی و قرار گرفتن در یک موقعیت ژئواستراتژیک میان دو قطب پیشرفته اقتصادی جهان یعنی شرق آسیا و غرب اروپا، سازمان همکاری شانگهای را از منظر عناصر زیربنایی توسعه بسیار قدرتمند و توانا ساخته است (رضایی و صالحی، ۱۳۸۹: ۶۱).

که هم قابلیت تغذیه درون قاره‌ای را دارد و هم قابلیت تغذیه بازارهای بزرگ بین‌المللی. حجم اقتصادی ۲۳ هزار میلیارد دلاری و تجارت داخلی بیش از ۳۰۰ میلیارد دلاری از ظرفیت بالای مبادلات اقتصادی سازمان همکاری شانگهای حکایت دارد. علاوه بر موارد فوق الذکر، برخورداری از ذخایر غنی انرژی و معدنی، قابلیت قابل توجهی را برای سازمان همکاری شانگهای به همراه دارد.

- قدرت نظامی، امنیتی

اساساً سازمان همکاری شانگهای بر پایه‌های امنیتی شکل گرفته شده است و تمرکز سازمان همکاری شانگهای بر مقوله امنیت و به طور مشخص بر مبارزه با تروریسم بنا نهاده شده که با گذشت زمان، عناصری از همکاری نظامی شامل تمرینات نظامی مشترک و مأموریت‌های صلح‌بانی در آن به وجود آمده است. در جدیدترین رنکینگ قدرت-های نظامی برتر جهان که توسط پایگاه گلوبال فایر پاور بر اساس شصت شاخص مثل تجهیزات، مهمات، سلاح، امکانات مالی، پرسنل و لجستیک در تازه‌ترین خبر خود در سال ۲۰۲۲ به آدرس <https://www.globalfirepower.com/coun> منتشر نموده است پنج عضو اصلی سازمان همکاری شانگهای مطابق با جدول پیوست در پانزده رتبه برتر قدرت نظامی جهان قرار دارند که به جز ایران که از دانش هسته‌ای برخوردار می‌باشد دیگر اعضای جدول (روسیه- چین- هند- پاکستان) دارای سلاح هسته‌ای هستند و قزاقستان نیز از ظرفیت هسته‌ای برخوردار می‌باشد و علاوه بر آن دو عضو سازمان دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند و در زمینه اقدامات فضایی نیز روسیه، هند، چین و قزاقستان از جایگاه معتبر جهانی برخوردارند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۰) در حال حاضر به ترتیب روسیه، چین، هند، پاکستان و ایران در رنکینگ دوم، سوم، چهارم، دهم و چهاردهم رتبه‌های برتر نظامی در سطح جهان قرار دارد.

ب- اهداف سازمان

طبق مفاد ماده یک منشور مهمترین اهداف و وظایف سازمان همکاری شانگهای به ترتیب عبارتند از:

۱. تقویت اعتماد، دوستی و حسن همجواری متقابل بین دولت‌های عضو
۲. تحکیم همکاری‌های منظم در ایجاد و تقویت صلح، امنیت و ثبات در منطقه و ارتقای یک نظم بین‌المللی اقتصادی و سیاسی و عقلایی نوین برپایه دموکراسی، عدالت و عقلانیت
۳. مقابله مشترک با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در تمامی اشکال آن، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و حمل و نقل سلاح و سایر فعالیت‌های مجرمانه فراملی و همچنین مهاجرت غیر قانونی

۴. تشویق همکاری کارآمد منطقه‌ای در حوزه‌هایی همچون سیاست، تجارت و اقتصاد، دفاع، اجرای قوانین، حفاظت محیط زیست، فرهنگ، علوم و فناوری، آموزش، انرژی، حمل و نقل، مسایل مالی و اعتباری و سایر حوزه‌های مورد علاقه

۵. تسهیل رشد فراگیر و متوازن اقتصادی، توسعه اجتماعی و فرهنگی در منطقه از طریق اقدام مشترک بر اساس مشارکت برابر به منظور دستیابی به رشد پایدار شاخص‌های زندگی و توسعه وضعیت زندگی مردم کشورهای عضو

۶. هماهنگی شیوه‌ها برای همگرایی در اقتصاد جهانی

۷. حمایت و توسعه روابط با سایر دولتها و سازمان‌های بین‌المللی

۸. همکاری در پیشگیری از درگیری‌های بین‌المللی و حل و فصل صلح‌آمیز آن‌ها

ج- ارکان، شرایط عضویت، اعضای دائم، ناظر، شرکای گفتگو و بازیگران بیرونی همکار با سازمان ارکان سازمان همکاری شانگهای عبارتند از:

۱- شورای سران

۲- شورای سران دولت (نخست وزیران)

۳- شورای وزیران امور خارجه

۴- شورای هماهنگ‌کنندگان ملی

۵- دبیرخانه سازمان

فرصت‌های عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای

از پیامدهای مهم جهانی شدن، رقابتی شدن بازار است که اثرات اقتصادی بسیاری برای کشورهای عضو و اثرات مخرب برای اقتصادهای بسته و غیر رقابتی به همراه دارد. زیرا که پیامد امتیازات موجود برای اعضا در سازمان‌های جهانی مانند تعدیل تعرفه‌ها، وجود سهمیه بندی‌ها، سیستم بانکداری، حمل و نقل، بیمه، توریسم، سرمایه‌گذاری و ... مشترک، موجب افزایش قابل توجه تولید ناخالص داخلی کشورها رقابت‌کننده عضو و بالا بودن تعرفه و سایر محدودیت‌ها برای کشورهای غیرعضو، عملاً ورود و رقابت اینگونه کشورها را در رقابت بازارهای جهانی سخت و غیرممکن ساخته است. لذا برای کشورهای در حال توسعه که آمادگی ورود ناگهانی به عرصه‌های جهانی تجارت را ندارند ورود به پیمانهای منطقه‌ای بهترین و مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی‌شان در سیستم‌های باز جهانی و ادغام آنها در اقتصاد و تجارت جهانی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، به گسترش تعاملات خود بر مبنای یک سیاست خارجی توسعه محور با سایر کشورها نیازمند می‌باشد. سازمان همکاری شانگهای با توجه به حضور چین، روسیه و هند زمینه مناسبی جهت دستیابی به اهداف توسعه‌محورانه ایران است. ورود به این سازمان می‌تواند باعث پیوند بهتر و بیشتر اقتصاد و تجارت ایران به اقتصاد

و تجارت دیگر کشورهای عضو و مناطق پیرامونی گردد که می تواند در افزون شدن منافع اقتصادی کشورمان مؤثر واقع گردد. بدین ترتیب اگر عضویت کشورمان را در سازمان همکاری شانگهای از لحاظ استراتژیک، یک امر مثبتی تلقی نماییم در این صورت واقع بینی، اقتضا می کند در آغاز عضویت دائم، چشم انداز این همکاری از نقطه نظر ظرفیت ها، توانمندی ها و فرصت های پیش روی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا تعدادی از محتمل ترین فرصت های پیش روی ایران به شرح ذیل مورد بررسی قرار می گیرد.

الف) کمرنگ شدن انزوای سیاسی و تحریم ها

شاید بتوان گفت مهمترین معضل جمهوری اسلامی ایران در نظام بین الملل کنونی، تخاصم آن با تنها ابرقدرت جهان یعنی آمریکا است. بر اساس آموزه های نظریه های ساختاری روابط بین الملل، هیچ کشوری نمی تواند در نظام بین الملل دو قطبی به مخالفت با دو ابرقدرت، و یا در نظام تک قطبی به مخالفت با یک ابرقدرت بپردازد، مگر اینکه تصمیم بگیرد خود را منزوی کند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۸۷). جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب با پارادایمی جدید و درست نقطه مقابل رویکرد پهلوی دوم به عنوان یک حکومت تجدیدنظرطلب، (revisionist)، رادیکال و مذهبی و اقتدارگرا در نظام بین المللی شناخته شد و با شعار نه شرقی و نه غربی به دلیل شرایط پدید آمده در انقلاب و جنگ ۸ ساله به نوعی به رویارویی و تقابل با آمریکا و غرب و تا حدودی با شرق پرداخت و با اشغال سفارت امریکا و حمایت از نهضت ها و جنبش های آزادی بخش، فعالیت های هسته ای و موشکی و موضوعات حقوق بشر، رودروی کشورهای غربی و عرب قرار گرفت و در انزوای سیاسی و تحریم های اقتصادی واقع شده است.

لذا به منظور تعدیل فشارهای موجود در مقاطعی نیز مجبور به دادن امتیازاتی به برخی از کشورها مانند روسیه و چین شده است که با اصل سیاست نه شرقی و نه غربی سازگاری ندارد. به عنوان مثال در شرایطی که ایران با اعلام حمایت از محرومین و مظلومین جهان، به گونه ای تمام عیار از حقوق مردم فلسطین دفاع می کند و هزینه های سنگینی بابت آن می پردازد در قبال ظلم های آشکار روسیه به مسلمانان چین و داغستان و مظالم کشور چین علیه مسلمانان ایغور در ایالت سین کیانگ، سکوت اختیار کرده و حتی از موضع صرفاً سیاسی نیز در حمایت از آنان خودداری می ورزد و بدین ترتیب اولویت منافع ملی را بر رویکرد ایدئولوژیک به تصویر می کشد.

در وضعیتی که جمهوری اسلامی ایران همچنان خارج از سازمان تجارت جهانی است و در هیچ پیمان مهم و راهبردی منطقه ای و بین المللی عضو نمی باشد و فاقد ارتباط مؤثر و عادی با نظام بانکی و شبکه های اعتباری جهانی است و از دسترسی به تکنولوژی های مهمی مانند هواپیماهای مسافربری جدید نیز محروم است ولی طی سال های اخیر با انواع تحریم های یکجانبه، چند جانبه و بین المللی و مجادلات لفظی روزانه با دشمنان منطقه ای و بین المللی، قطعنامه های بسیار در شورای امنیت، محکومیت های بین المللی در دادگاه های اروپایی، اتهامات ادعایی بیشمار حمایت از تروریسم در مناطق مختلف جهان و بی اعتمادی قابل ملاحظه نسبت به تلاش هایش برای افزایش نفوذ و قدرتش در منطقه، تلاش برای تولید سلاح هسته ای و موشک های بالستیک مواجه می باشد، پذیرش دائمی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای می تواند نقطه عطفی در عرصه دیپلماسی عمومی ایران در سطح جهان

با مشارکت دیگر کشورهای عضو سازمان به حساب آید و با توسل به اولویت دیدگاه‌ها و منافع مشترک و پرهیز از اختلاف‌افکنی، زمینه‌های خروج از انزوای سیاسی را فراهم آورد.

ب) استفاده از قدرت نرم در ایجاد هژمونی منطقه‌ای

مفهوم قدرت نرم را جوزف نای در اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد متون روابط بین‌الملل کرد. ظرف نزدیک به سه دهه این مفهوم رواج گسترده‌ای یافته است و به یکی از مطلوبیت‌های نظام‌های سیاسی در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل شده است. در واقع قدرت نرم به معنای توانایی به دست آوردن آنچه مورد نظر است از طریق جذابیت تعبیر می‌شود و منابع آن در قالب سه عامل فرهنگ، ارزشها و سیاست‌ها قرار می‌گیرند. بازیگران محیط بین‌الملل با درک صحیح از مزیت‌های آن سعی دارند تا با بهره‌گیری از چهره نرم‌افزاری قدرت در مناسبات خویش، میزان اعتبار و نفوذ خود را ارتقا بخشند و ضمن پرهیز از هزینه‌های سنگین کاربست قدرت سخت، اذهان و افکار عمومی بین‌المللی را با خویش همراه سازند. قدرت نرم، رفتار همراه با جذابیتی است که قابل رویت اما غیر محسوس است. (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۵۶)

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، زمینه برای برقراری روابط ایران با این کشورهای تازه تأسیس فراهم شد. کشورهای این منطقه نسبت به سایر مناطق پیرامونی ایران از نظر تاریخی، تمدنی، قومیتی و فرهنگی با ایران نزدیکی بسیاری دارند. هرچند که ایران سعی نموده تا با استفاده از ابزار دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی خود، نفوذ خود را در کشورهای منطقه افزایش دهد و ما به دلایل گوناگون از جمله نگرانی و هراس رقبای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، تحریم‌های نفس‌گیر بهره‌گیری از قدرت نرم در منطقه موفق نبوده است و قادر به ایفای نقش مؤثر خود در این منطقه راهبردی نشده است. با رفع موانع پذیرش دائم ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای و به کارگیری تدابیر لازم جهت تعدیل و کم‌رنگ کردن انزوای سیاسی موجود ایران از منابع قدرت لازم جهت ایجاد هژمونی برای تحقق اهداف خود در منطقه برخوردار می‌باشند.

پ) امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی

امروزه اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که منبع مهمی از تأمین مالی خارجی و سرمایه‌گذاری در امکانات تولید و وسیله مهمی برای انتقال فناوری تولید، مهارت‌های مدیریتی، قدرت نوآوری و دسترسی به شبکه‌های بازاریابی و توزیع گسترده برای اکثر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه بر کسی پوشیده نیست. اصولاً اهداف اصلی دولت‌ها از جذب سرمایه‌های خارجی، علاوه بر استفاده از تکنولوژی، مدیریت و راهیابی به بازارهای جهانی و نیز ایجاد اشتغال و رفع بیکاری است. بدیهی است که به هر میزان، کشوری از توان جذب سرمایه‌های بین‌المللی بیشتری برخوردار باشد، حضور آن کشور در اقتصاد جهانی پررنگ‌تر و میزان تأثیرگذاری آن در مسیر اقتصاد جهانی با اهمیت‌تر خواهد بود.

یکی از نکات اساسی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، وضع سیاسی و حقوقی کشورهای هدف است. چرا که پول و سرمایه به سمتی تمایل دارد که امنیت و ثبات آنها تضمین شود. در ایران با توجه به تسلط دولت بر حوزه‌های بخش خصوصی، اقتصاد زیر مجموعه سیاست قرار گرفته است و در واقع سیاست بر اقتصاد ایران حکمرانی می‌کند. لذا در صورتی که اوضاع سیاسی نابسامان باشد، جذب سرمایه نیز مشکل می‌گردد. فضای نابسامان سیاسی،

خطرپذیری بازرگانی را بالا می‌برد و به تبع آن با افزایش هزینه‌های تولید، نه تنها سرمایه گذاری خارجی، بلکه سرمایه‌گذاری‌های داخلی نیز دچار مشکل می‌شوند.

انزوای سیاسی و تحریم‌های شدیدی که کشورمان سال‌ها است با آن دست به گریبان شده است متأسفانه لطمات فراوانی را متوجه اقتصاد ایران نموده و با تأثیرگذاری مستقیم بر معیشت مردم به ویژه قشرهای آسیب‌پذیر، اوضاع زندگی را دشوار کرده است. کاهش تولید، نبود امکان صادرات کالا، بلوکه شدن بخش قابل توجهی از سرمایه‌های کشور در بانک‌های خارجی، وضعیت بخرنجی را برای اقتصاد ایران رقم زده است. با وجود همه معضلات و مشکلات موجود، پتانسیل‌های بازار و حوزه‌های مختلف آن به اندازه است که در صورت بازگشت سرمایه گذاری و بهبود شرایط کسب و کار، ایران بتواند به ضلع تعیین‌کننده‌ای در بازارهای جهانی مبدل شود. این همان نکته مهمی است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با ورود به پیمانهای چندجانبه، منطقه‌ای و جهانی، زمینه‌های جلب توجه و جذب سرمایه گذاران را فراهم آورد. (سادات محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

ت) رونق تجارت کالا (بازرگانی)

آمار ۷۰ درصدی تجارت میان کشورهایی که در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند نشان می‌دهد که هنوز به دست آوردن بازارهای منطقه‌ای و حفظ آنها برای همه دولت‌ها اهمیت قابل ملاحظه دارد. بنابراین نخستین نکته مهم این است که سهم تجارت‌های منطقه‌ای در پناه انعقاد بالغ بر ۶۰۰ توافقنامه بین‌المللی در قالب پیمان‌های دوجانبه، چندجانبه، توافقات ترجیحی و ... از کل تجارت دنیا که بالغ بر ۳۰ تریلیون دلار می‌شود، حدود ۵۱ درصد برآورد می‌گردد که نشان دهنده اهمیت پیمان‌های منطقه‌ای و اتحادیه‌های اقتصادی نزد کشورهای صادرکننده و واردکننده دنیاست. متأسفانه کشورمان از این شیوه تجارت، با حدود ۱۰ توافقنامه به کمتر از ۴ درصد می‌رسد که نشان می‌دهد تجارت خارجی ایران هنوز به مرز بلوغ لازم برای چنین پیوندهای راهبردی و انعقاد پیمان‌های تجاری نرسیده است. با وجود این بسیاری از کشورها با درک این شرایط از سال‌ها قبل به سمت موافقتنامه‌های دوجانبه و منطقه‌ای رفته‌اند و با در نظر گرفتن معافیت‌های گمرکی، تعرفه‌های ترجیحی و تسهیلات صادراتی، تجارت خود را افزایش داده‌اند. اما اقتصاد ایران تحت تأثیر عوامل مختلف تا حد زیادی از این حرکت جا مانده است. آمارهای بانک جهانی و بسایت Trademap مربوط به آنکتاد نشان می‌دهند مجموع واردات ۱۵ کشور همسایه ایران در سال ۲۰۲۰ بیش از هزار میلیارد دلار است که ایران با صادرات ۱۸ میلیارد دلار کالای غیر نفتی به این کشورها، فقط ۱/۹ درصد از بازار ۱۵ کشورهای مذکور را در اختیار دارد. البته وضعیت تجارت با کشورهایی که مرزهای آبی و خاکی با آنها نداریم اما در همسایگی ما قرار دارند به مراتب ضعیفتر است. کشورهای مانند ارمنستان، ازبکستان و تاجیکستان و ... برای درک بی‌برنامگی توسعه تجارت خارجی ایران کافی است تصور کنیم که در سال ۱۳۹۹ ایران ۲۰ میلیارد و ۳۵۷ میلیون دلار به کشورهای همسایه صادرات داشته که از این میان حدود ۸۶ درصد آن به چهار کشور امارات، عراق، افغانستان و ترکیه بوده و ۱۴ درصد دیگر (حدود ۳/۳ میلیارد دلار) نیز به ۱۱ کشور دیگر صادر شده است. هرچند اختلاف نظرهای سیاسی، مشکلات امنیتی موجود در منطقه، تحریم‌ها و فراهم نبودن زیرساخت‌های داخلی نقش کلیدی در پایین بودن این آمارهای صادراتی دارند، ولی قطعاً نبود پیمان‌های اقتصادی مشترک هم در پایین بودن این آمار

بی‌تأثیر نبوده‌اند. و نقش بسزایی ایفا کرده‌اند. ایران با قرار گرفتن به عنوان عضو دائم در سازمان همکاری شانگهای این فرصت را پیدا خواهد نمود تا توان خود را بیازماید (www.press/x7bny).

ث) رونق صنعت گردشگری (توریسم)

صنعت گردشگری یکی از مهمترین بخش‌های اقتصاد جهانی است که در بیش از یک دهه اخیر، بیشتر درآمدزایی و اشتغالزایی را در میان صنایع مختلف جهان داشته است. علاوه بر مزیت‌های اقتصادی، آثار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی گردشگری باعث شده است تقریباً تمامی دولت‌ها در جهان به دنبال بهره‌گیری از این صنعت در کشور خود باشند. کشور ایران به لحاظ برخورداری از سابقه دیرین تمدن و فرهنگ، طبیعت و شرایط اقلیمی گوناگون و عوامل دیگر از این دست توانایی قرارگیری در جایگاه مناسب نقاط پر جاذبه گردشگری در سطح آسیا و بین‌المللی را دارد. ایران از لحاظ ابنیه و آثار تاریخی جزء ۹ کشور نخست دنیا و از لحاظ جاذبه‌های اکوتوریستی در میان ۱۰ کشور برتر دنیا قرار دارد. (نرگسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۲) که این امر نشان دهنده استعداد و قابلیت زیاد کشور در جهت رشد و توسعه صنعت گردشگری است. با وجود همه استعداد، ظرفیت و پتانسیل به دلایل متعدد از جمله اتکای بیش از حد اقتصاد ایران به صادرات نفت خام، انزوای سیاسی، تحریم‌های اقتصادی، ماهیت ایدئولوژی سیاسی حاکم، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های دست و پا گیر، زیرساخت‌های ضعیف، بداخلاقی‌های اداری، بروکراسی شدید و بالاتر از همه ایران‌هراسی، صنعت گردشگری نتوانسته در جایگاه واقعی خودش قرار گیرد و به نوعی منفعلانه عمل کرده است. دستیابی به ۲۰ میلیون گردشگر خارجی، افقی است که سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران برای گردشگری ایران در سال ۱۴۰۴ تعریف کرده است. عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای فرصتی است که کمک شایانی به تحقق این هدف می‌نماید.

عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای، در صورت فروکش کردن ویروس کوید و استفاده مناسب و هدفمند از ظرفیت‌های موجود و ترغیب و تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری جهت بهره‌مندی از جاذبه‌های گردشگری و بکارگیری دیپلماسی فعال در حوزه اقتصادی به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای فعل سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری و به‌کارگیری دیپلماسی اقتصادی و سیاسی در حوزه تبلیغات و نشست‌های مرتبط با دیگر دول عضو و غیر عضو سازمان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های جذاب تجاری و گردشگری مناطق آزاد تجاری-صنعتی در شمال (مناطق آزاد انزلی، ارس و ماکو و بنادر شمالی) و جنوب (مناطق آزاد چابهار و کیش و قشم) به منظور ورود گردشگران خارجی به ایران و تصویب قوانینی برای حذف ویزا برای کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و کشورهای همسایه و تسهیل ورود و خروج گردشگران هم برای سیاحت و هم برای تجارت، توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، تربیت فعالان گردشگری در تراز جهانی شامل پلیس‌های ویژه گردشگری، راهنماها، نیروهای خدماتی هتل‌ها و رستوران‌ها، نیروهای آژانس‌های جهانگردی، فروشگاه‌های مرتبط و بالاتر از همه بهره‌گیری از استراتژی‌های بازاریابی تهاجمی در راستای جذب گردشگر، تماماً می‌تواند کمک شایانی به پویایی صنعت گردشگری ایران نماید و کشور را در سال ۱۴۰۴ به افق مورد نظر برساند.

ج) استفاده از مزایای کریدور شمال-جنوب

موقعیت جغرافیایی ایران، اهمیت ویژه‌ای به این کشور به لحاظ ترانزیت کالا و عبور خطوط لوله های نفت و گاز در اقتصاد جهانی بخشیده است. و به همین لحاظ در جنگ جهانی دوم متحمل هزینه‌های فراوانی گردید چنانکه در جریان جنگ جهانی دوم از ایران به عنوان پل پیروزی نام برده می‌شود. هم اکنون که جمهوری اسلامی ایران موفق به عضو دائم سازمان همکاری شانگهای شده است با بهره‌گیری از این مزیت می‌تواند منابع بسیاری را به دست آورد و جایگاه اقتصادی خود را در سطوح منطقه‌ای و جهانی ارتقا بخشد. این امر مهم مستلزم درک واقعیت، بهره‌گیری از فرصت‌ها و کسب آمادگی‌های لازم برای رقابت با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی است. طرح کریدور شمال-جنوب یک فرصت استثنایی و بی نظیر اقتصادی و تجاری برای ایران است. کافی است با تقویت ریلی در برخی از خطوط استراتژیک کشور و ریل-گذاری های جدید و تقویت خطوط جاده‌ای و زیرساخت های مرتبط، میلیاردها دلار را به سمت کشور سوق داد. این روند علاوه بر آنکه موجب اخذ حق ترانزیت کالا و کسب درآمد برای دولت می‌شود، سبب رشد و شکوفایی شهرهای مسیر حرکت این کاروان‌ها را فراهم می‌آورد.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی و پیدایش کشورهای جدید بر نقشه سیاسی جهان، اهمیت نقش ایران را در ترانزیت کالا دوچندان نموده زیرا کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه و حوزه قفقاز تنها از طریق ایران و ترکیه می‌توانند به آب‌های آزاد جهان دسترسی پیدا کنند، که موقعیت استراتژیک در کشور ایران به خاطر کریدور شمال-جنوب نسبت به همسایه خودش، ترکیه به مراتب با اهمیت‌تر می‌باشد. این کریدور که در حال حاضر از حوزه اقیانوس هند (بندر بمبئی) آغاز و از طریق دریا به بندرعباس متصل می‌شود، در داخل خاک ایران کالاها به وسیله حمل و نقل جاده‌ای و یا ریلی به بنادر شمال کشور (بندر انزلی و بندر امیرآباد) انتقال می‌یابند و سپس از طریق دریای خزر به بنادر آستاراخان و لاگان روسیه حمل می‌شوند. با تکمیل راه آهن قزوین- آستارا در قلمرو ایران، امکان دسترسی جاده‌ای و ریلی به کشورهای منطقه قفقاز و روسیه میسر خواهد شد.

چ) باشگاه انرژی

تأمین مطمئن انرژی قابل اطمینان، یکی از مهمترین مؤلفه‌های توسعه پایدار و با ثبات سیاسی در دنیای معاصر است. از اینرو مسایل مربوط به امنیت انرژی ذهن بسیاری از سیاستمداران و پژوهشگران و حتی مردم عادی را به خود مشغول نموده است. سازمان همکاری شانگهای از پتانسیل عظیمی در بخش انرژی برخوردار است. این سازمان کنترل ۲۳ درصد نفت، ۵۵ درصد گاز طبیعی و ۳۵ درصد زغال سنگ جهان را در اختیار خود دارد. ایده تشکیل باشگاه انرژی نخستین بار به پیشنهاد ولادیمیر پوتین در نشست سال ۲۰۰۶ سران در آستانه قزاقستان به تصویب رهبران کشورهای عضو رسید. در آن اجلاس اعضا تصمیم گرفتند به منظور تحقق اهداف مندرج در مواد ۱ و ۳ اساسنامه که در آن به تشویق همکاری کارآمد منطقه‌ای در حوزه انرژی و کاربرد مؤثر زیرساخت‌های موجود و توسعه بخش انرژی اشاره شده است و نیز هماهنگ ساختن خط‌مشی‌های عرضه و تقاضا، تأمین امنیت خطوط انتقال، رشد همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای عضو و نیز سازگاری با تحولات جدید در عرصه اقتصاد جهانی نهاد جدیدی را با عنوان باشگاه انرژی در سازمان همکاری شانگهای تصویب نمایند. در یک نگاه کلی به وضعیت انرژی در سازمان همکاری شانگهای، برجسته‌ترین نکته‌ای که جلب توجه می‌کند، وجود بزرگترین تولیدکنندگان انرژی در

کنار بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان است که این امر جنبه تکمیلی جالبی را پدید می‌آورد و در صورت تحقق ایده باشگاه انرژی، وضعیتی متفاوت از سازمانی مانند اوپک خواهد داشت.

ولی به لحاظ برخی ملاحظات سیاسی و اقتصادی اعضا، طرح تشکیل باشگاه انرژی در سازمان همکاری شانگهای از سال ۲۰۰۶ تاکنون محقق نشده است که مهمترین عامل را باید در عدم تمایل چین و کشورهای منطقه آسیای مرکزی و اجرای این طرح دانست. سیاست تأمین انرژی و یا صادرات انرژی کشورهای یاد شده بر مبنای ایجاد تنوع در بازارهای مصرف و صادراتی شکل گرفته است (ابزار معاصر تهران <http://fna.ir>).

جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم اینکه در موضوع انرژی دارای رتبه سوم جهانی در نفت و رتبه دوم جهانی در ذخایر گازی می‌باشد ولی به ۳ دلیل نتوانسته از این مزیت خدادادی استفاده بهینه را ببرد که سه مورد مانع عبارتند از:

- ۱- تحریم‌های شدید واشنگتن و متعاقب آن جهان غرب
- ۲- عدم سرمایه‌گذاری شایسته
- ۳- کارشکنی‌های روسیه: تأمین گاز اروپا توسط روسیه صرفاً یک فرایند اقتصادی نیست و بالاتر از اقتصاد برای روسیه جنبه امنیتی پیدا نموده است و روسیه به طرق گوناگون اجازه نمی‌دهد که ایران در این بخش رقیب وی شود که نیاز اروپا به روسیه کاهش یابد.

لذا با توجه به سه مانع فوق‌الذکر تحقق باشگاه انرژی با اهداف سیاست خارجی ایران همپوشانی کامل دارد. با تحقق باشگاه انرژی و بالطبع استفاده ایران از ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای علاوه بر کم‌رنگ نمودن تحریم‌ها، زمینه‌های سرمایه‌گذاری خارجی توسط کشورهای قدرتمند در سازمان در صنعت نفت و گاز فراهم می‌شود و چون سرنوشت انرژی به دست کنسرسیوم سازمان قرار می‌گیرد خود به خود موضوع کارشکنی‌های روسیه نیز برطرف خواهد شد.

ح) همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر
جای هیچ تردیدی نیست که در جهان یکپارچه امروز بتوان یک تنه آن هم در انزوا به اهداف امنیتی دست یافت. وابستگی متقابل کشورها، بر اهمیت روابط متقابل، مذاکرات و همکاری افزوده و نیاز فزاینده به رهیافتی جامع در مورد توسعه، ضرورت تغییر نظریات راجع به روابط بین‌المللی را نشان می‌دهد. تغییر روش تعقیب منافع ملی به قیمت نابودی دیگران به رابطه‌ای بر اساس احترام و منافع دوجانبه تبدیل شده است. در این راستا سازمان همکاری شانگهای نقش رهبری در روابط بین‌المللی اعضا می‌یابد. این سازمان در بسیاری از جنبه‌های امنیتی در خصوص مبارزه با تروریسم، مواد مخدر، تجزیه‌طلبی و جرایم سازمان یافته از جمله اهدافی است که بسیاری از تحلیلگران آن را مبنای شکل‌گیری این سازمان می‌دانند. (رضایی و صالحی، ۱۳۸۹: ۶۷).

جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به لحاظ امنیتی با موضوعاتی چون تروریسم، مواد مخدر، تجزیه‌طلبی و جرایم سازمان یافته درگیر شد و از این بابت هزینه‌های سنگینی (انسانی و مالی) را نیز متحمل گردید. که هم اکنون نیز به لحاظ مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و جرایم سازمان یافته، کماکان گذشته

در حال هزینه کرد می باشد. بر اساس آمار و اطلاعات داخلی موجود، فقط در بعد اقدامات تروریستی در ایران بیش از ۱۷ هزار قربانی ثبت شده است. بنابراین، این کشور یکی از قربانیان تروریسم در دنیا به شمار می آید. بر اساس گزارش شاخص تروریسم جهانی در سال ۲۰۱۷، کشور ایران در رده پنجاه و سوم دنیا، از نظر تأثیر پذیری از تروریسم و حملات تروریستی قرار دارد. (امینی، ۱۳۹۷: ۶۵)

بنابراین جمهوری اسلامی ایران به نوعی قربانی تروریسم و قاچاق مواد مخدر از نخستین روزهای آغاز انقلاب اسلامی است، به ضرورت واکنش قاطع، فراگیر و جمعی منطقه‌ای و بین‌المللی در برابر این تهدید باور دارد. از این رو ایران برای مبارزه با تروریسم و همکاری های مؤثر در این زمینه در سطح منطقه نیاز به همکاری و مساعدت دیگر کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای دارد زیرا باور دارد که تمامی کشورهای منطقه و اعضای سازمان همکاری شانگهای درگیر این پدیده فرامرزی می باشند. به نظر می‌رسد هرگونه ائتلاف منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند موجب تعدیل هزینه‌های مالی و انسانی کشورهای همکار گردد و بسترهای خروج از یک تنه مبارزه کردن با این آفات را مهیا نماید. ضمن آنکه این پیوند امنیتی می‌تواند بخشی از تبلیغات و فرافکنی های ایالات متحده آمریکا و برخی از همپیمانان غربی‌اش را در خصوص جانبداری ایران از تروریسم را بی اثر و خنثی سازد. (حق‌شناس و بشیری، ۱۳۹۰: ۹۱).

نتیجه گیری

پویایی یک جامعه در گرو دیپلماسی اقتصادی موفق و دیپلماسی اقتصادی موفق در گرو سیاست خارجی مطلوب در نحوه تعامل خوب و سازنده با جامعه بین‌المللی می باشد. در واقع، امروزه منافع و حتی امنیت ملی کشورها در چارچوب تعامل سازنده با سایر کشورها و از طریق به کارگیری یک دیپلماسی فعال اقتصادی حاصل می گردد که جمهوری اسلامی ایران هم از این قاعده مستثنی نیست. طبیعی است آن دسته از کشورهایی که دارای تعاملات اقتصاد قوی و رو به رشد با کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشند از کارتهای برنده قوی‌تری در عرصه جهانی برخوردارند. با وجود موقعیت خاص جغرافیایی ایران و برخورداری از منابع و ذخایر غنی، کشور ایران به دلایل متعددی از ارتباطات سازنده و تعاملات جهانی فاصله یافته است. از آنجا که در شرایط کنونی ورود به چرخه پویا و مطلوب سیستم نظام بین‌المللی برایمان سخت و دشوار شده است، بنابراین عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای، مهمترین رخداد سیاسی خارجه کشورمان در ماه‌های اخیر و پس از توافق مشارکت راهبردی جامع با چین محسوب می گردد، و می‌تواند فرصت هایی را برای ایران خلق نماید. با توجه به اینکه سازمان همکاری شانگهای توانسته به عنوان یک نهاد منطقه‌ای از اعتبار و جایگاه لازم در عرصه بین‌المللی برخوردار گردد، لذا پذیرش عضویت دائم ایران می‌تواند نویدبخش احیای روابط نرمال ایران با اقتصاد منطقه در وهله نخست و اقتصاد جهانی در وهله بعدی باشد. ایران با توجه به موقعیت ژئواکونومیک خود می‌تواند نقش یک حلقه وصل را بین چهار اقتصاد کلیدی (روسیه در شمال، چین در شرق، هند در جنوب و اروپا در غرب) در قالب ایده کریدور شمال- جنوب ایفا کند. این ایده نمایانگر پتانسیل نقش‌آفرینی ایران به عنوان حلقه وصل روسیه و هند به عنوان دو اقتصاد بزرگ اوراسیایی و حلقه وصل جنوب شرقی آسیا و شمال اروپاست. اجرایی شدن کریدور شمال- جنوب و افزایش ظرفیت آن می‌تواند در کوتاه‌مدت در کانون دیپلماسی اقتصادی ایران در سازمان همکاری شانگهای

قرار گیرد و منجر به خلق فرصت‌های دیگری مانند تعدیل انزوای سیاسی و تحریم‌ها- جذب سرمایه‌های خارجی- رونق تجارت کالا- رونق توریسم- مزایای باشگاه انرژی و همکاری‌های مشترک در زمینه مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و همچنین ایجاد قدرت نرم در منطقه برای ایران گردد. به هر صورت عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای گامی رو به جلو تلقی می‌گردد.

منابع

- امیراحمدیان، بهرام و حسینی، میرعبدالله. (۱۳۹۰)، مطالعه جایگاه ژئواکونومیک سازمان همکاری شانگهای در جهان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، ۱۳۵ تا ۱۰۱.
- جانسینز، احمد و صالحیان، تاج‌الدین. (۱۳۹۴)، نگاه نو به رقابت ایران و ترکیه در کسب قدرت منطقه‌ای، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۱۹، ۱۷۶ تا ۱۴۳.
- جویس، گوار و کوکب، ویلیام. (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: نشر مازیار.
- حاجی یوسفی، امیر محمد و الوند، مرضیه سادات. (۱۳۸۷)، ایران و سازمان همکاری شانگهای: هژمونی و ضد هژمونی، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۳، شماره ۲، ۱۹۴ تا ۱۶۳.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- حسینی، سید مطهره. (۱۳۸۷)، نقش بسیج در تولید امنیت نرم، جلد سوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- حق‌شناس، محمدجواد و بشیری، سعیده. (۱۳۹۰)، ناتو و گرایش ایران به سازمان همکاری شانگهای، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۲۵، شماره ۲۸۴.
- حیدری، محمد و انعامی علمداری، سهراب. (۱۳۹۱)، دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۲۰.
- خاشعی، وحید و مراد امامزاده، مهرداد. (۱۳۹۰)، درآمدی سیاست‌گذارانه بر کارایی قدرت نرم در صحنه روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، پیش شماره ۳، ۷۶ تا ۵۱.
- خواجه، حسین. (۱۳۹۶)، بررسی و نقد نظریه کارکردگرایی ساختاری و کارگرایی جدید، فصلنامه مطالعات سیاسی بین‌الملل.
- رضایی، علیرضا و صالحی، عباس. (۱۳۸۹)، سازمان همکاری شانگهای و عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۹، ۷۶ تا ۵۱.
- سادات محمدی، مهدیه. (۱۳۹۴)، چشم انداز دیپلماسی اقتصادی و تأثیر آن بر روند عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- سیف زاده، حسین. (۱۳۸۲)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- صابر، حامد. (۱۳۹۶)، ظرفیت دیپلماسی اقتصاد جمهوری اسلامی در مواجهه با تحریم‌های مالی و تجاری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۲)، اصول سیاست خارجی و رویکردها، تهران: نشر سمت.

مادوز، لیندا. (۱۳۹۷)، انعطاف آگاهانه سازمان همکاری شانگهای و همکاری در حوزه اوراسیا: انتشارات مرکز مطالعات امنیتی.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۰)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: نشر سمت .
نرگسی، شهین و بابکی، روح الله و غضی، مهناز. (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین گردشگری، رشد اقتصادی و توسعه ملی در ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، سال ۱۲، شماره ۴۴، ۶۷ تا ۴۴.
واعظی، محمود و موسوی شفایی، مسعود. (۱۳۸۷)، سیاست خارجی توسعه گرا، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.